

مروری بر شئونات خیر و شر بانظر به نقاشی «آهن و مهتاب» اثر حسن روح الامین

تصور ماه بدون نقطه عطف



مهدی متولیان، فعال فرهنگی

تابلویی که به تازگی از حسن روح الامین، در ایام محرم رونمایی شده است، به اسم «آهن و مهتاب» به عبارتی در زمره آثار آیینی شمرده می شود، اما از حیث فلسفی، چندان پیرو سنت هنرهای آیینی نیست و همچنان که در طراحی فرم و فیگورها به وضوح وامدار مکاتب باروک و گوتیک در نقاشی است. از جنبه مفهومی نیز به فلسفه حاکم بر این دو مکتب وفادار است و البته از جانی دیگر ظهور و بروز این ترکیب بندی فرمی و محتوایی را نباید منفصل و بی ارتباط با تغییراتی که در مرثیه خوانی جدید پدید آمده است، دانست. آثار عاشورایی روح الامین با مرثیه و روضه مناسبت یافته است و از همین بابت تعدادی از آن ها در هیئات مورد استفاده قرار گرفتند. تا آنجا که می توان عنوان «روضه باز» را به این دسته از آثار اطلاق کرد. چراکه راوی صحنه های تراژیک واقعه عاشورا هستند و همین ویژگی از بُعد هنری تأثیرات آثار مکتب گوتیک را نشان می دهد.

در تابلوی «آهن و مهتاب»، خشونت و تیرگی آهنین را در کیفیت پیکره ها و رنگ بندی آن ها می توان دید، اما ملاحظت مهتاب که اصولاً می بایست در چهره حضرت عباس^ع نمود می یافت، دریافت نمی شود، حتی با وجودی که آن چهره مبارک در سفیدی نوری که از بالا بر آن تابیده در شرف محو شدن است. اصلا همین محوشدگی است که چهره را ضعیف و بی اثر می کند. به ویژه که موقعیت آن در کلیت قاب و در جوار پیکر تنومند اسب بر این ضعف می افزاید. چهره حضرت ابوالفضل^ع در نقطه عطف قاب نیست و خصوصاً از پرداخت دقیق و جزئی نگرانه ای که بر سایر عناصر تصویر حاکم است، کمتر بهره دارد. به علاوه پیکر حضرت به علت اختلاط با اسب و لباس ایشان و بیرق، به سهولت قابل تشخیص نیست.

روح الامین به اعتبار طبیعت گرایی سبک کار خود، عامدانه چهره اولیا را صورتگری نمی کند تا حریم معتقدات شیعه را محترم نگه دارد. در آثار دیگرش هم می بینیم که پیکره اولیا، اغلب در وضعیتی کشیده شده است که چهره شان به نحوی در پوشیدگی قرار بگیرد. لکن نتیجه مجموع این تمهیدات، مضاف بر تراژیک بودن اصل سوز، مانع از ارتباط کافی تماشاگر با آن می شود و از تأثیرگذاری اثر می کاهد.

اما از این همه مهم تر، نحوه مواجهه هنرمند با سوزِ هایش است. موضوع های نقاشی روح الامین - اختصاصاً در موضوع های عاشورایی - روایتگر همان شکست ظاهری اولیا و تشریح روضه وار این شکست است. همین مطلب می تواند این آثار را از چهارچوب هنرهای آیینی خارج کند. به عقیده کارشناسان هنر، در تاریخ نقاشی ایرانی در قرون گذشته، تا برهه هایی، اساساً تراژدی و صحنه های هزیمت اولیا هیچ گاه تصویرگری نمی شده است. حتی سوزِ ای مانند رستم و سهراب هم موردعلاقه نقاشان ایرانی نبوده است. ای بسا این رویکرد از مقطعی به موضوع نقاشی های ایرانی وارد شده که هنر غرب با هنر ایرانی تماس پیدا کرده است. هنرمند ایرانی از تصویرگری تراژدی پرهیز داشت و نقاشی همواره مصروف ایده آل های مطلوب ایرانی بوده است. حتی در نمونه های متأخر آثار عاشورایی، مانند نقاشی های قهوه خانه ای، از آنجا که اساساً صورتگری به صورت شماتیک و معناگرایانه انجام می شده است، چهره اولیا و اهل بیت^ع حتی در لحظه شهادت هم در کمال وضوح، زیبایی و آرامش است. این ویژگی یک دلالت معنوی به کمال و قداست اولیای خداست.

در مقابل آثار عاشورایی حسن روح الامین، فاقد ارجاع به سعادت، قداست و فلاح باطنی اولیای خداست و این به عقیده نگارنده نقص بزرگ آثار او است. به نظر می رسد آنچه نقاشان ایرانی در گذشته می کرده اند، به فطرت نزدیک تر بوده است. آن ها راوای ایده آل های انسان و تصویرگری آن چیزی بوده اند که انسان ایرانی مطلوب و محبوب می دارد. اگر به نقاشی کودکان هم نظر ببنداریم همین قاعده را در حیث کلی خواهیم دید. کودکان اغلب صحنه های مورد علاقه و مطلوب خود را نقاشی می کنند. نه آنچه که برایشان خاطره ای مکروه یا وحشت انگیز بوده باشد. آن ها در نقاشی کردن رسالتی برای خود قائل نیستند و مخاطب و بیننده در کارشان موضوعیتی ندارد. (در عین حال که دوست می دارند خانواده و سایرین نقاشی آن ها را ببینند و تحسین کنند) و این رفتاری کاملاً فطری و مطابق با زیبایی شناسی انسان است و نمودی ناب از هنر است. اما مقصود از این نقد و نظر چیست؟ آیا نباید تراژدی، فاجعه، زشتی، شر و پلشتی های انسان را به اثر هنری راه داد؟ آیا باید همواره خُسن و زیبایی را تصویر کرد و لا غیر؟

البته پاسخ این سؤال را می توان با ارجاع به همان هنر در دنیای کودکان یافت. در زیبایی شناسی فطری بشر، امر خیر - به مثابه زیبایی باطنی (خُسن) - همیشه در برتری نسبت به شر قرار دارد و انسان اصولاً زیبایی ظاهری را بر زشتی ترجیح می دهد. اما نه به آن معنی که شر و زشتی و پلشتی را نادیده انگارد و به کل از قاموس هنر حذف کند.

اساساً این نقد و نظر در اصل وجود مظاهر شر و زشتی در اثر هنری پیش کشیده نشده است. بلکه در کیفیت حضور و شان آن ها در کمپوزسیون (ترکیب بندی) هنری است. سؤال درست این است که آیا تصویرسازی زشتی و شر باید غایت آفرینش اثر هنری باشند؟ همچنان که در دار طبیعت، نور ستارگان در عمق ظلمات شب درخشش بیشتری پیدا می کند، زشتی و شر نیز در اثر هنری به منظور ظهور بیشتر امر زیبا یا مستحسن ضرورت پیدا می کند.

به عبارت دیگر حضور شر و زشتی در اثر هنری باید تبعی باشد، نه اصلی. یعنی عناصر یا مظاهر شر به عنوان تابعی از وجود خیر فرصت ظهور و بروز پیدا کنند. نه آن که خود بر حیث کلی اثر هنری و بر غایت وجود آن اصالت پیدا کنند. آن چنان که در قواعد هنر مدرن شاهد هستیم شر و زشتی نمایی بر خیر اصالت پیدا کرده است که به یک نوع نسبیت گرایی در زیبایی شناسی منجر شده است.

منبع: خبرگزاری مهر

شهریار

اشنبه

۱۸ مرداد ۱۴۰۵
۱۵ شهریور ۱۴۰۵
۲۸ شهریور ۱۴۰۵

۱۲



۹

نگاهی به مستندهای شاخص درباره شهدای مدافع حرم

قاب‌هایی برای قهرمانان بی‌ادعا

روایت جهاد از روستاهای محروم تا سوریه



مستند «لجند» به کارگردانی و نویسندگی سیدمهدی حسینی و تهیه‌کنندگی حامد بامروت نژاد، پرتژه‌ای از زندگی شهید محسن حججی است؛ چهره‌ای که پس از شهادتش به یکی از شناخته‌شده‌ترین شهدای مدافع حرم تبدیل شد. این مستند تنها به حضور شهید حججی در سوریه نمی‌پردازد، بلکه بخش مهمی از آن به فعالیت‌های فرهنگی و جهادی او در مناطق محروم اختصاص دارد. مخاطب در این اثر با جوانی آشنا می‌شود که پیش از حضور در میدان نبرد، سال‌ها در اردوهای جهادی، ترویج کتاب خوانی، فعالیت‌های فرهنگی و خدمت‌رسانی به مردم نقش آفرینی می‌کرد.

قصه ناتمام یک تازه‌داماد



مستند «پرواز از حلب» ساخته محسن عقیلی فیلم ساز مشهدی، روایتی احساس‌آسی از زندگی شهید حسین هریری است. شهید هریری تنها چند ماه از ازدواجش گذشته بود که برای دومین بار راهی سوریه شد و اندکی بعد در ۲۰ آبان ۱۳۹۵ در سن ۲۷ سالگی در حلب به شهادت رسید. روایت همسر، دوستان و هم‌زمان، فضای مستند را به اثری صمیمی تبدیل کرده است؛ اثری که بیش از هر چیز بر روحیه ایثار و مسئولیت‌پذیری این شهید تمرکز دارد. رفت و برگشت‌های تأثیرگذار از منطقه جنگی به شهر بدون هیچ پرشی در تدوین نیز از ویژگی‌های «پرواز از حلب» است.

داستان زندگی و شهادت «حاج عمار»



مستند «علمدار» به کارگردانی مجید بهجت، زندگی شهید محمدحسین محمدخانی را از دوران کودکی تا فرماندهی در سوریه مرور می‌کند. این اثر با روایت هم‌زمان، روند شکل‌گیری شخصیت فرمانده‌ای را نشان می‌دهد که پس از سال‌ها فعالیت در بسیج دانشجویی و سپاه قدس، مسئولیت فرماندهی تیپ «سیدالشهدا» در سوریه را برعهده گرفت. فیلم در نهایت، نحوه شهادت این فرمانده را نیز بازگو می‌کند؛ فرمانده‌ای که در میدان نبرد با نام «حاج عمار» شناخته می‌شد.

بازگشت بعد از سال‌ها



مستند «آخرین مسافر» به کارگردانی محمدرضا حسین پور، زندگی سردار شهید حاج رحیم کابلی را روایت می‌کند؛ فرمانده‌ای که از دوران دفاع مقدس تا نبرد با داعش در جبهه حضور داشت. فیلم با استفاده از تصاویر آرشیوی و روایت خانواده و هم‌زمان، فعالیت‌های شهید را از زمان انقلاب و دوران دفاع مقدس تا حضور در سفرهای راهبان نور و فعالیت‌های فرهنگی در مساجد و پایگاه‌های بسیج و سپس رسیدن به درجه رفیع شهادت در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل به تصویر می‌کشد. یکی از بخش‌های تأثیرگذار مستند، ماجرای مفقودالاثر شدن پیکر شهید در خان طومان و بازگشت آن پس از سال‌ها انتظار به وطن است.

شهیدی که به «شهید اربعین» معروف شد



مستند «عمود ۱۴۱۴» ساخته احمدرضا آبی، پرشی از زندگی شهید مدافع حرم نوید صفری است. رزمنده‌ای که در میان هم‌زمانش به «شهید اربعین» شهرت یافت. این مستند، علاوه بر مرور زندگی شخصی و فعالیت‌های فرهنگی شهید، به آخرین مأموریت او برای مبارزه با تروریست‌های تکفیری در منطقه البوکمال می‌پردازد؛ مأموریتی که با اسارت و سپس شهادتش در روز اربعین سال ۱۳۹۶ همراه شد. از ویژگی‌های مستند «عمود ۱۴۱۴»، توجه به جنبه‌های شخصیتی شهید صفری است؛ از علاقه او به هیئت‌های مذهبی، ارتباط با خانواده شهدا و فعالیت‌های فرهنگی گرفته تا وصیت‌هایی که پس از شهادتش بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

جهاد برای مردم، پیش از جهاد در میدان نبرد



مستند «سلام مهربون» به کارگردانی فرشاد یحیایی، روایت زندگی شهید محمود شیعی است؛ رزمنده‌ای که سال‌ها پیش از اعزام به سوریه، فعالیت‌های گسترده جهادی در مناطق محروم کشور انجام می‌داد. فیلم نشان می‌دهد که دغدغه خدمت به مردم، تنها به داخل کشور محدود نبود و شهید شیعی در سوریه نیز در کنار مأموریت نظامی، رسیدگی به خانواده‌های نیازمند و تهیه غذا برای محرومان را وظیفه خود می‌دانست. روایت خانواده و دوستان، چهره‌ای از یک فعال فرهنگی و جهادی را ترسیم می‌کند که خدمت به مردم را بخشی جدایی‌ناپذیر از مسیر زندگی خود می‌دانست.

شکیبا افخمی‌رادا سینمای مستند در سال‌های اخیر سهم مهمی در ثبت و روایت زندگی شهدای مدافع حرم داشته است. آثاری که تلاش کرده‌اند فراتر از بازنمایی صحنه‌های نبرد، سبک زندگی، باورها، دغدغه‌ها و مسیر پرفراز و نشیب این شهیدان را از زبان خانواده، دوستان و هم‌زمانشان به تصویر بکشند. این مستندها هر کدام از زاویه‌ای متفاوت به زندگی شهدای مدافع حرم نزدیک شده‌اند. برخی بر زندگی خانوادگی و فعالیت‌های فرهنگی آنان تمرکز دارند. برخی روایتگر روزهای حضور در میدان نبرد هستند و تعدادی نیز تلاش کرده‌اند تصویری جامع از جبهه مقاومت و نقش رزمندگان در مقابله با گروه‌های تروریستی ارائه دهند. به مناسبت ۱۸ مرداد، روز بزرگداشت شهدای مدافع حرم، مروری داریم بر تعدادی از مهم‌ترین مستندهایی که در سال‌های گذشته درباره این شهیدان ساخته شده‌اند؛ آثاری که هر یک بخشی از تاریخ معاصر و روایت مقاومت را در قاب دوربین ثبت کرده‌اند.

رزمنده‌ای که دوباره راهی جبهه شد



مستند «سی سال بعد بوکمال» ساخته ابوالفضل محمدباقر، زندگی شهید حمیدرضا ضیایی را روایت می‌کند؛ رزمنده‌ای که نوجوانی خود را در جبهه‌های دفاع مقدس گذراند و سال‌ها بعد با آغاز بحران سوریه بار دیگر لباس رزم بر تن کرد. فیلم، دو مقطع مهم از زندگی این شهید را کنار هم قرار می‌دهد، نخست حضور او در جبهه‌های دفاع مقدس در نوجوانی و سپس اعزامش به سوریه برای مقابله با گروه‌های تروریستی. همین نمایش دو دوره متفاوت از مبارزه، از ویژگی‌های مهم این مستند به شمار می‌رود.

پرتره‌ای از فرمانده فاطمیون



مستند «ردی از یک مرد» به کارگردانی محسن اردستانی رستمی، زندگی شهید علیرضا توسلی، مشهور به «ابوحامد» را روایت می‌کند. فرمانده‌ای اهل افغانستان که نقش مهمی در شکل‌گیری و هدایت لشکر فاطمیون داشت. فیلم مسیر زندگی او را از مهاجرت به ایران، حضور در جبهه‌های جنگ هشت ساله، مبارزه در افغانستان و در نهایت حضور در سوریه دنبال می‌کند. روایت هم‌زمان، تصاویر آرشیوی و بازخوانی مقاطع مختلف زندگی این فرمانده، مستند «ردی از یک مرد» را به یکی از آثار شاخص درباره جبهه مقاومت به ویژه لشکر فاطمیون تبدیل کرده است.

جانشینی که به فاتح مشهور بود



مستند «فاتح دل‌ها» به کارگردانی ساسان فلاح فر روایت زندگی شهید مدافع حرم رضا بخشی، مشهور به «فاتح»، و جانشین فرمانده لشکر فاطمیون است. شهیدی که پیش از حضور در میدان نبرد، در حوزه علمی و پژوهشی نیز چهره‌ای موفق بود و حتی فرصت ادامه تحصیل در خارج از کشور را داشت. اما با آغاز بحران سوریه و تهدید حرم حضرت زینب^ع، مسیر دیگری را برگزید. هم‌زمان او در مستند از فرمانده‌ای سخن می‌گویند که حضورش در هر عملیات، روحیه‌ای مضاعف به نیروها می‌بخشید و نامش با موفقیت عملیات هاگره خورده بود.

روایت فرمانده‌ای که از ارتش تا جبهه مقاومت رفت



مستند «شیر زیتان» به زندگی و شهادت سرهنگ مجتبی ذوالفقارنسب، از شهدای مدافع حرم ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. این اثر مسیر زندگی او را از دوران کودکی، ورود به دانشگاه افسری و سال‌ها خدمت در ارتش تا حضور داوطلبانه در سوریه دنبال می‌کند. فیلم نشان می‌دهد که شهید ذوالفقارنسب بارها درخواست اعزام به سوریه را مطرح کرد و سرانجام در سال ۱۳۹۴ موفق شد به جبهه‌های دفاع از حرم حضرت زینب^ع بپیوندد. «شیر زیتان» نحوه شهادت شهید ذوالفقارنسب را هم روایت می‌کند. فردی که مسئولیت فرماندهی یگان ادوات ارتش را بر عهده داشت، اما روحیه ایثارگرانه‌اش باعث شد تا برای نجات هم‌زمانش که در محاصره تکفیری ها بودند دل به دریای گلوله و ترکش بزند.

مروری بر زندگی یار نزدیک حاج قاسم



مستند «آقای اصغر اکبر من» پرتژه‌ای از شهید اصغر یاشاپور، از نیروهای باسابقه جبهه مقاومت و از نزدیک‌ترین هم‌زمان سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است. نام این مستند از جمله معروف سردار سلیمانی در یکی از تصاویر منتشرشده از میدان نبرد گرفته شده است؛ همان لحظه‌ای که شهید یاشاپور تلاش می‌کند فرمانده خود را از حضور در خط مقدم بازدارد و حاج قاسم در پاسخ می‌گوید: «آقای اصغر، ما را از گلوله نترسان». فیلم با روایت خانواده و هم‌زمان، سال‌های طولانی حضور این رزمنده در سوریه، نقش او در آموزش نیروهای مقاومت و شهادتش در حلب را بازگو می‌کند؛ شهادتی که تنها چند هفته پس از شهادت سردار سلیمانی رقم خورد.

تلفیق مستند و داستان برای روایت یک زندگی



در میان آثار ساخته‌شده درباره شهدای مدافع حرم، «سایه روشن» تجربه‌ای متفاوت محسوب می‌شود. این فیلم به کارگردانی سعید چاری، در قالب مستند داستانی به زندگی شهید حسن رجایی فر، از شهدای خان طومان، می‌پردازد. سازندگان اثر برای بازسازی زندگی شهید، از اعضای خانواده او در نقش خودشان استفاده کرده‌اند؛ اتفاقی که به باور بسیاری از مخاطبان، بر باورپذیری روایت افزوده است. فیلم از دل یک داستان امروزی آغاز می‌شود و به تدریج مخاطب را با زندگی، باورها و مسیر شهادت حسن رجایی فر همراه می‌کند.